

## تبیین فرایند برنامه‌ریزی علوم جغرافیایی در دانشگاه‌های ایران

دکتر محمدرضا حافظ نیا<sup>۱</sup>

دکتر سید عباس احمدی<sup>۲</sup>

احسان لشکری<sup>۳</sup>

تاریخ در یافت: ۹۱/۱/۱۶

تاریخ پذیرش: ۹۱/۵/۱۱

### چکیده

رشته جغرافیا از جمله رشته‌هایی است که در دانشگاه‌های مختلف جهان از نظام علمی برخوردار است و در سالهای اخیر نیز گرایش‌های مختلف آن رو به گسترش بوده است. بیشتر کشورها به دلیل نقشی که علوم جغرافیایی و جغرافیدانان می‌توانند در توسعه، آمایش فضا، عدالت جغرافیایی، صلح و امنیت ایفا نمایند، به آن اهمیت داده و برنامه‌ریزی و آموزش آن را در دانشگاهها جدی گرفته‌اند. در ایران، «کمیته برنامه‌ریزی علوم جغرافیایی» که در وزارت «علوم، تحقیقات و فناوری» تشکیل شده است، مسوول اصلی برنامه‌ریزی و ارتقا کیفیت آموزش این رشته در دانشگاهها است و اعضای این کمیته متشکل از اساتید علوم جغرافیایی انتخاب می‌شوند که برای برنامه‌ریزی و سیاستگذاری آموزش علوم جغرافیایی در دانشگاهها، از تجربیات خود و دیگر کشورها استفاده می‌کنند. با توجه به اینکه طی ۵ سال اخیر کمیته علوم جغرافیایی از حیث برنامه‌ریزی و عملکرد، دچار تحول عمیقی گردیده است، در این مقاله نتایج و ماحصل این تحولات مورد بررسی قرار گرفته است. نتیجه نشان داد که تلاشهای انجام شده در این خصوص از یک طرف به بازنگری و به روز شدن تمامی

---

۱. استاد جغرافیای دانشگاه تربیت مدرس و رئیس کمیته برنامه‌ریزی علوم جغرافیایی در وزارت علوم تحقیقات و فناوری

hafezn\_m@modares.ac.ir

۲. استادیار جغرافیای دانشگاه تهران، نویسنده عهده دار مکاتبات - sayedabasahmadi@yahoo.com

۳. استادیار جغرافیای دانشگاه یزد ehsanlshgari80@yahoo.com

برنامه‌های قدیمی علوم جغرافیایی در مقاطع مختلف منجر شده است. از طرفی دیگر، تعدادی از برنامه‌های جدید در زمینه تخصص‌ها و گرایش‌های جدید جغرافیایی، طراحی و تدوین شده است. بدون شک مجموعه این اقدامات در مرحله عملیاتی خود به بهبود وضعیت و توسعه پایدار فضاهای زیست، بهینه‌سازی، بهره‌وری و مدیریت فضاها و مکانهای کشور کمک خواهد نمود.

#### واژگان کلیدی:

علوم جغرافیایی، جغرافیا، برنامه ریزی، آموزش عالی، ایران

## ۱- مقدمه

آموزش دانش جغرافیا در ایران با دارالفنون و به همت میرزا عبدالغفار نجم‌الدوله آغاز شد. سپس با تأسیس دارالمعلمین عالی در سال ۱۳۰۷ هـ.ش (به عنوان اولین مؤسسه آموزش عالی در ایران)، جغرافیا نیز به عنوان یک رشته علمی در آن تأسیس شد. (دارالمعلمین عالی در سیر تحول خود به دانشسرایعالی، سپس به دانشگاه تربیت معلم و نهایتاً به دانشگاه خوارزمی کنونی تغییر نام یافت). با تأسیس دانشگاه تهران در سال ۱۳۱۳ هـ.ش، رشته جغرافیا همراه با رشته تاریخ در آن راه‌اندازی شد و این پیوستگی و مجاورت تاریخ و جغرافیا تا سال ۱۳۴۲ ادامه داشت. لیکن در این سال رشته‌های مزبور از یکدیگر جدا شده و هرکدام به صورت یک رشته مستقل علمی مطرح گردیدند (حافظ نیا، ۱۳۹۰: ۹). البته احتمالاتی وجود دارد که این اتفاق زودتر و در سال تحصیلی ۴۰-۱۳۳۹ رخ داده باشد (مومنی، ۱۳۷۷: ۶۴).

به هر حال استقلال جغرافیا را باید نقطه عطفی در آموزش جغرافیا در ایران دانست. زیرا اندک زمانی پس از تفکیک رشته تاریخ و جغرافیا، تجدید نظر کلی در برنامه‌های آموزشی جغرافیا به عمل آمد و دروس بسیار زیادی در رشته جغرافیا تعریف شد (گنجی، ۱۳۶۷: ۵۷). در سال تحصیلی ۴۳-۱۳۴۲ تغییرات بنیادی در نظام دانشگاهی به وجود آمد و رشته جغرافیا نیز به صورت یک رشته دانشگاهی مدرن درآمد و شکل امروزی به خود گرفت. در سال ۴۵-۱۳۴۴ جغرافیا به سه رشته تخصصی جغرافیای انسانی و اقتصادی، جغرافیای طبیعی و کارتوگرافی تقسیم شد (پاپلی یزدی، ۱۳۸۲: ۲۵). با این حال استمرار بلندمدت موجودیت تک رشته‌ای جغرافیا در دانشگاه‌های ایران، سبب گردید تا هویت سازمانی جغرافیا به چالش کشیده شود و علم جغرافیا در ایران از بحران هویت سازمانی رنج ببرد. به طوری که علی‌رغم ماهیت مستقل علم جغرافیا، این رشته نتوانست از استقلال سازمانی در دانشگاه‌های کشور تحت عنوان «دانشکده» برخوردار شود، و به عنوان یک رشته انضمامی و حاشیه‌ای، به دانشکده‌های مختلف نظیر، ادبیات، اقتصاد، علوم زمین، علوم انسانی، علوم محیطی و غیره ملحق گردیده است. این امر بر هویت رشته‌ای جغرافیا و توسعه علمی آن در ایران تأثیر منفی گذاشت (حافظ نیا، ۱۳۹۰: ۹).

پس از انقلاب اسلامی، مسوولین مربوطه رشته‌های دانشگاهی را به دو دسته ایدئولوژیک و غیر ایدئولوژیک تقسیم کردند و جغرافیا، جزو علوم غیر ایدئولوژیک قرار گرفت (پاپلی یزدی، ۱۳۸۲: ۲۵). از سال ۱۳۶۴ تا ۱۳۸۳ فعالیت‌های کمیته برنامه‌ریزی جغرافیا با سبک و سیاقی ثابت، بوسیله دکتر حسین شکویی (رئیس کمیته) و همکارانش تداوم یافت. در این دوره سه رشته جغرافیای طبیعی، جغرافیای انسانی و جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری به همراه ۷ گرایش تخصصی جغرافیا (ژئومورفولوژی، اقلیم شناسی، جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، کارتوگرافی، جغرافیای ناحیه‌ای و جغرافیای سیاسی - نظامی) طراحی گردید.

دوره جدید فعالیت کمیته برنامه‌ریزی جغرافیا از سال ۱۳۸۶ ه. ش آغاز شد و همچنان ادامه دارد. کمیته جدید با در نظر گرفتن تحولات علمی جهان و توسعه روزافزون رشته‌ها و گرایشهای تخصصی جغرافیا در دانشگاههای معتبر جهان و همچنین نیازهای جامعه ایران، بازنگری و تغییر در برنامه‌های آموزشی علوم جغرافیایی را در دستور کار خود قرار داد. این اقدامات به شکل‌گیری تحول جدیدی در زمینه برنامه‌ریزی آموزشی علوم جغرافیایی در کشور منجر شد. همچنین با توجه به تدوین برنامه‌های جدید علوم جغرافیایی به عنوان رشته‌های مستقل، راه برای راه‌اندازی «دانشکده‌های علوم جغرافیایی» در دانشگاههای کشور باز شد. این امر منجر به بازیابی جایگاه منطقی علوم جغرافیایی در نظام دانشگاهی کشور و توسعه علمی آن متناسب با فلسفه و ماهیت خاص آن خواهد گردید (حافظ نیا، ۱۳۹۰: ۹).

## ۲- روش تحقیق

روش مورد استفاده در این تحقیق توصیفی - تحلیلی بوده و اطلاعات مورد نیاز از اسناد و مدارک مکتوب (کتاب، مجلات تخصصی، مقالات، آرشیو کمیته برنامه‌ریزی علوم جغرافیایی و...) و نیز از اطلاعات شبکه جهانی (اینترنت) جمع آوری شده است. تجزیه و تحلیل اطلاعات گردآوری شده از طریق روش کیفی انجام گرفته است.

## ۳- مبانی نظری؛ فلسفه آموزش و یادگیری علوم جغرافیایی

آموزش معارف و یادگیری علوم مختلف یکی از نیازهای اولیه و اساسی ابناء بشر است. انسان‌ها می‌توانند با تکیه بر آگاهی‌ها و معلوماتی که به دست می‌آورند، نیازهای گوناگون

خود را تامین نموده و زندگی بهتر و مطلوب‌تری را تجربه نمایند. صاحب‌نظران از این مساله به عنوان ضرورت تعلیم و تربیت برای انسان و یا لزوم تکاپوی وی برای رسیدن به کمال یا اعتدال یاد می‌کنند. به گونه‌ای که می‌توان یکی از معانی تعلیم و تربیت را علاوه بر نشو و نما دادن، برکشیدن یا مرغوب ساختن، سوق دادن افراد بشر به حد اعتدال دانست. از آنجا که آدمی از بدایع عالم خلقت و بلکه از بدیع‌ترین نوع مخلوقات این عالم است و چون به طور ذاتی و فطری، کمال وی از وجودش متاخر می‌باشد؛ بنابراین برای رسیدن به کمال فطری خویش دائماً نیاز به تعلیم و تربیت و تجربه دارد و تحقق فطرت متعالی آدمی منوط به تعلیم و تربیت دائمی است (شریعتمداری، ۱۳۸۰: ۱۰). از این رو بیش از سایر موجودات به تربیت و تجربه نیاز دارد و دریافت این تربیت و تجربه سبب گردیده که انسان تنها موجودی باشد که نسبت به انتخاب راه و روش زندگی خود مسئول باشد. ضمن اینکه انسان موجودی متفکر و دارای قوه تشخیص و صاحب اختیار می‌باشد و از روی انتخاب می‌تواند برنامه‌هایی را برای زندگی فردی و جمعی خود تنظیم نموده و آنها را اجرا نماید (غزالی، ۱۳۶۱: ۱۴). از سوی دیگر فلسفه تعلیم و تربیت مستلزم در نظر گرفتن چند موضوع است: ۱- وجود موضوع یا دانشی یا روشی که موضوع تعلیم و تربیت واقع می‌شود. ۲- داشتن قابلیت یا استعداد در فردی که مورد تعلیم و تربیت واقع می‌گردد. ۳- شرایطی که وجود آن برای آغاز تحول تربیتی لازم می‌باشد. ۴- ادامه شرایط مساعد به نحوی که تداوم دگرگونیهای آغاز شده را به سرانجام مطلوب برساند (شکوهی، ۱۳۶۴: ۲). در راستای مورد نخست و در فرایند تکاملی بشر، به تدریج رشته‌های گوناگون علوم و دانش‌های مختلف شکل گرفت و در هر کدام، دانشمندان و صاحب‌نظران زیادی ظهور کردند.

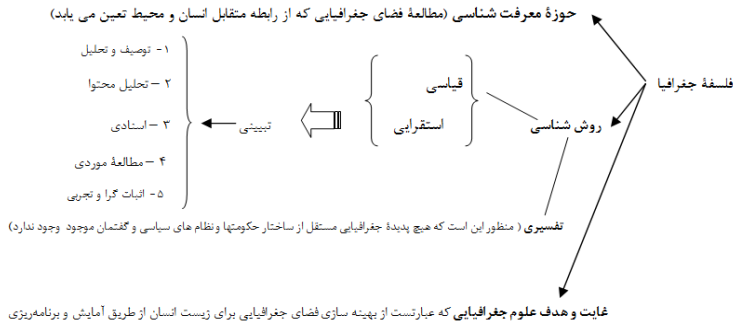
در این میان، دانش جغرافیا نیز به عنوان یکی از رشته‌های قدیمی، همزاد با پیدایش انسان در سطح کره زمین، تولید و گسترش یافته است. البته به طور رسمی از زمانی که این کلمه برای نخستین بار بوسیله اراتوستن یونانی استفاده شد، بیشتر از ۲۳۰۰ سال نمی‌گذرد (شکویی، ۱۳۸۱: ۱۵)، ولی مفهوم جغرافیا نمی‌تواند به این زمان محدود شود و پیشینه‌ای درازتر دارد. زیرا انسان از ابتدا در فضای جغرافیایی زیستگاه خود، ناگزیر از زندگی و تقلا برای ادامه حیات بوده است. انجام این امر مهم، یعنی زندگی کردن، از سویی مستلزم شناخت مکان‌ها و فضاهای زندگی و تشخیص قابلیت‌ها و نیروهای مثبتی بوده که امر

زندگی کردن را تسهیل و امکان‌پذیر می‌کرده است و از سویی دیگر نیازمند فهم تنگناها، محدودیت‌ها و نیروهای منفی آن بوده که زندگی را به چالش می‌کشیده است. فرآیند شناخت و فهم کم و کیف مکان و فضای جغرافیایی زیستگاه و محیط‌های پیرامونی آن و نیز تشخیص و به‌کارگیری ظرفیت‌ها و نیروهای مثبت برای اهداف زندگی از سویی و نیز شناخت و مقابله با نیروهای منفی و تهدیدکنندهٔ حیات انسان در زیستگاه‌ها از سویی دیگر، منجر به تولید و گسترش دانش جغرافیایی از گذشته‌های دور تاکنون شده است (حافظ نیا، ۱۳۹۰: ۶). به تعبیری دیگر، می‌توان گفت که یکی از ویژگیها و موضوعات مشترک بشریت، نیاز به شناخت، بهره‌وری و مدیریت مستمر فضای جغرافیایی و محیط زندگی خود می‌باشد تا بر اساس آن به بقا و رشد خود ادامه دهد. بنابراین جغرافیا پاسخی غریزی به خواستهٔ ذاتی و فطری انسان، برای شناخت محیط‌ها و سرزمین‌های ناشناخته و مدیریت و کاربری آنها بوده و از این رو جغرافیا در مفهوم عام خود با انسان همراه و همزاد بوده است (پورااحمد، ۱۳۸۸: ۱۰). در واقع شناخت محیط و چگونگی بهره‌برداری از آن، مجموعه‌ای از توانایی‌ها و فنون ویژه را بوجود می‌آورد که بعدها جغرافیا نامیده شد. بدیهی است شرایط آغاز و ادامهٔ تعلیم این دانش، همواره در طبیعت موجود بوده و البته در هر دوره‌ای از تمدن متناسب با وسعت دید و تفکر انسانی، محتوای علم دچار تغییر شده است. بنابراین نیاز به تعلیم و تجربه در زمینهٔ جغرافیا به عنوان یک نیاز فطری و مشخص در انسان وجود داشته و در واقع مبنای اولیه جهان بینی انسان را تشکیل می‌دهد (علی‌جانی، ۱۳۷۸: ۲۰). علاوه بر این متفاوت بودن نقاط مختلف زمین و تفاوت در شیوهٔ زندگی و رفتار انسان در محیط‌های مختلف موجب گردید که انسانها برای برقراری ارتباط با مکان‌های خارج از محیط خود، تشویق و علاقمند به شناخت آنها شوند. بنابراین جغرافیا به عنوان یک نظام علمی مهم، قادر گردید شالوده‌های بنیادین ظهور اندیشه، رفتار و فرهنگ انسانی را نیز ایجاد کند (Bilij, 1993: 34). از طرفی دیگر در مقایسه با سایر جانداران، از منظر جغرافیا انسان تنها موجودی در عالم خلقت است که با تغییر دادن محیط طبیعی به محیط انسان ساخت، محل استقرار و مکان زندگی خود را می‌سازد و همواره آن را تغییر و بازساخت می‌دهد (Deblelij, 1995: 23). بنابراین در تعریف انسان از منظر جغرافیا بشر موجودی مکان ساز

و یا «تولید کننده مکان و فضا» قلمداد می‌گردد و از این منظر دائماً با ایجاد تغییراتی در محیط، موضوعات جدیدی برای آموزش و مطالعات جغرافیایی آفریده می‌شود. از سوی دیگر هر مجموعه معرفتی، برای احراز شرایط علمی بودن، می‌بایست دارای شرایط و ویژگی‌هایی باشد تا بتوان آن را به مثابه یک معرفت علمی در نظر گرفت. مسلم است که بدون برخورداری از این شرایط و صرفاً بر اساس ادعای بی پایه، نمی‌توان نام علم و معرفت را بر واژگان مختلف تحمیل نمود. جغرافیا نیز از این قاعده مستثنی نیست و بنابراین لازم است که ابعاد و ویژگی‌های آن برای احراز جایگاه شایسته در بین نظام‌های علمی تبیین شود. مهمترین شرایطی که اجازه می‌دهد بتوانیم یک مجموعه از آگاهی‌ها را نظام علمی و معرفتی بنامیم، مبتنی بر ابعاد معرفت‌شناسی، روش‌شناسی و کارکردشناسی عبارتند از:

- ۱- در درجه اول هر معرفت علمی می‌بایست دارای حوزه معرفت‌شناسی مشخص و معین باشد که مختص آن علم باشد. در جغرافیا این مسأله از طریق مطالعه فضاهای جغرافیایی حاصل می‌شود که خود از رابطه متقابل انسان و محیط تعیین می‌یابد. به عبارتی در این قسمت، جغرافیدان به شناخت ماهیت، ساختار و قانونمندیهای فضای جغرافیایی می‌پردازد.
- ۲- هر علم می‌بایست دارای یک روش‌شناسی مشخص باشد. به عبارت بهتر کشف مجهولات در آن علم می‌بایست از مسیرهای مشخص، معقول و تجربه پذیر صورت پذیرد.
- ۳- هر علم از حیث منطقی می‌بایست دارای کاربرد و حوزه تأثیرگذاری مشخصی باشد. به عبارت بهتر مفاهیم و نظریات مندرج در یک معرفت علمی می‌بایست دارای غایت و کارکرد واقعی و مشخص و متمایز در جهان باشد. غایت و کارکرد واقعی جغرافیا نیز ساماندهی قلمرو و زیستگاه انسان‌ها برای زندگی شایسته و شرافتمندانه از طریق آمایش و برنامه‌ریزی است.

نمودار شماره ۱- فلسفه علوم جغرافیایی



بر مبنای این اصول فلسفی می توان علم جغرافیا را «از حیث بنیادی علم فضاشناسی و از حیث کاربردی علم فضا سازی تلقی کرد» (حافظ نیا، ۱۳۸۸: ۱).

#### ۴- فرایند جدید برنامه ریزی علوم جغرافیایی در دانشگاههای ایران

همچنانکه پیشتر ذکر گردید با شکل گیری ساختار جدید کمیته برنامه ریزی علوم جغرافیایی در سال ۱۳۸۶، رویکرد متفاوتی نیز در امر برنامه ریزی آموزشی برای دانشگاههای کشور در حوزه دانش جغرافیا نسبت به دوره های ماقبل آغاز شد. در این راستا کمیته برنامه ریزی علوم جغرافیایی در دیماه ۱۳۸۶ ه.ش برای هدایت اصولی، هماهنگ و هدفمند فرایند برنامه ریزی آموزشی رشته های علوم جغرافیا در مرحله نخست اقدام به تدوین اصول یازده گانه ای تحت عنوان «اصول ناظر بر برنامه ریزی رشته های جغرافیا در دانشگاهها» نمود. اصول مزبور متعاقباً مورد توجه شورای برنامه ریزی آموزش عالی قرار گرفت و با انجام تغییراتی، عیناً در قالب هشت اصل به عنوان اصول حاکم بر تدوین برنامه های درسی دانشگاهها برای همه رشته ها در تاریخ ۱۳۸۸/۸/۱۱ به تصویب شورای مزبور رسید و به دیگر کمیته ها ابلاغ گردید. بدین ترتیب اصول پیشنهادی کمیته برنامه ریزی علوم جغرافیایی به تمامی رشته های دانشگاهی کشور تعمیم داده شد (آرشیو کمیته برنامه ریزی جغرافیا. صورت جلسه شماره ۱۰. آبان ۱۳۸۷). این اصول عبارتند از:



### ۱- اصل بهنگام بودن:

بر پایه پیشرفت‌های جدید علمی در جهان و ایران (علم تولید شده در جهان و ایران)- به روز سازی برنامه‌ها مطابق آن

### ۲- اصل هویت گرای رشته‌ای(اصالت جغرافیا):

تأکید بر هویت و میراث علمی و ادبیات نظری جغرافیا در برنامه‌ریزی - پیشگیری و پرهیز از غلطیدن به وادی سایر حوزه‌ها و قلمروهای علمی (هویت تبعی)، حفاظت و بازیابی قلمروها و عرصه‌های جغرافیایی تصرف شده توسط سایر حوزه‌ها، (جامعه شناسی، اقتصاد، علوم سیاسی و...) در عین حال همکاری با سایر رشته‌ها و حوزه‌ها در قلمروها و موضوعات میان رشته‌ای و بالاخره فعال‌سازی قلمروها و پتانسیل‌های نهفته یا غفلت شده که ذاتا جغرافیایی هستند (آمایش سرزمین، برنامه‌ریزی منطقه‌ای، مطالعات محیطی و مطالعات منطقه‌ای و سیاسی...)

### ۳- اصل نگرش علمی:

اصالت دادن به آموزش‌های عمومی و جهان شمول مشتمل بر گزاره‌های علمی(نظریه‌ها، قوانین، مدلها، حقایق، اصول، مفاهیم و تکنیکها و...) در هر یک از موضوعات و شاخه‌های جغرافیا اعم از آموزشهای نظری یا کاربردی.

### ۴- اصل کاربردی بودن:

اختصاص بخشی از برنامه‌ها به دانش‌ها و آموزش‌های کاربردی برای آماده‌سازی فارغ التحصیلان جغرافیا جهت نقش آفرینی در بازار اشتغال جامعه و ایفای رسالت علم جغرافیا به عنوان علم «بهبیستن انسانها در مکان و فضا».

### ۵- اصل هدفمند بودن و انسجام:

ساماندهی و حفظ انسجام دروس و لحاظ کردن مواد و محتوی آموزشی و درسی متناسب با اهداف علمی و کاربردی هر مقطع

### ۶- اصل انعطاف پذیری:

برای پاسخگویی به نیازهای علمی و محلی برنامه و افزایش قدرت انتخاب دانشجویان و گروههای جغرافیا از طریق: الف- افزایش تعداد عناوین دروس انتخابی در برنامه

ب- اختصاص سهمی از واحد های هر مقطع به تعریف و تعیین دروس مربوطه توسط گروه های آموزشی منطقه ای

#### ۷- اصل پویایی:

با توجه به پیشرفتهای سریع علمی و تکنیکی و گشوده شدن افقهای جدید علمی ناشی از پژوهش های بنیادی و کاربردی، برنامه ها باید واکنش مناسب برای لحاظ شدن نوآوری های مزبور را داشته باشد. به عبارتی برنامه های تهیه شده باید تاریخ مصرف داشته باشند (مثلا سه یا پنج سال) و پس از آن مورد بازنگری و اصلاح قرار گیرند.

#### ۸- اصل تجربی سازی آموزش های نظری:

با توجه به ماهیت علم جغرافیا، در برنامه ها باید امکان تجربی سازی آموزش های نظری در قالب: سفرهای علمی، آموزش های میدانی، آزمایشگاهها، کارگاه های آموزشی، سمینارها و... فراهم شود و اینگونه آموزش های عملی در برنامه ها لحاظ شود.

#### ۹- اصل تخصص گرایی:

در طراحی برنامه ها بویژه در مقاطع بالاتر و نیز در موارد زیر:

- تدوین و پیشنهاد برنامه توسط اساتید جغرافیا در گرایش یا شاخه مربوطه و در قالب کمیسیون های تخصصی
  - تدریس دروس در همه مقاطع توسط اساتید متخصص و پرهیز از واگذاری آن به اساتید غیر متخصص
  - گزینش عناوین پایان نامه ها، رساله ها و پژوهش های بنیادی یا کاربردی در چهارچوب شاخه تخصصی مربوطه
  - تعیین اساتید راهنمای دانشجویان از متخصصین مربوط به رشته یا نزدیک به آن
  - تعیین عناوین و مواد امتحانی تخصصی برای آزمون های ورودی مقاطع مختلف و متناسب با گرایش یا شاخه مربوطه
- نکته: تحقق این اصل تا اندازه ای مستلزم همکاری های بین دانشگاهی در گروه های جغرافیایی می باشد.

#### ۱۰- اصل سیستماتیک بودن:

رعایت ترتیب منطقی عناوین درسی در آموزشهای طولی (پیش نیاز و پس نیاز) و جامعیت نسبی در آموزشهای عرضی (هم تکمیل)

#### ۱۱- اصل توسعه مشارکت:

بهره‌گیری از نظرات اساتید متشخص و متخصص شاخه تخصصی در دانشگاههایی که آن شاخه (رشته تخصصی) را در مقاطع کارشناسی ارشد و دکتری دارا می‌باشند. از اینگونه دانشگاهها دست کم یک نفر از اساتید برجسته شاخه، در کمیسیون تخصصی مربوطه مشارکت خواهد داشت (آرشیو کمیته برنامه‌ریزی جغرافیا. سند شماره ۱. ۱۳۸۶).

#### ۵- مبادی تولید محتوی برنامه‌ها و سرفصلها

برای تعیین محتوای برنامه‌ای رشته‌ها، شامل عناوین دروس، سرفصل‌ها، منابع و غیره، کمیته برنامه‌ریزی در همان ابتدا چهار سرچشمه و منبع زیر را برای گزینش محتوی تعیین کرد که مقرر شد در تدوین برنامه‌ها مورد توجه قرار گیرند:

الف: تجربه ایران در امر برنامه‌ریزی، با توجه به حدود یک و نیم قرن آموزش جغرافیا در کشور، از دارالفنون تاکنون، شامل نیازها، موفقیت‌ها، ناکامی‌ها، نقاطه قوت و ضعف، نوآوری‌ها و تولیدات علمی داخلی و غیره.

ب: تجربه جهانی در امر برنامه‌ریزی، با ملاحظه برنامه‌های مورد عمل در دانشگاه‌های معتبر جهان در حوزه‌های انگلیسی، فرانسوی، آلمانی، روسی، ژاپنی، آمریکایی، اسپانیولی، چینی و هندی.

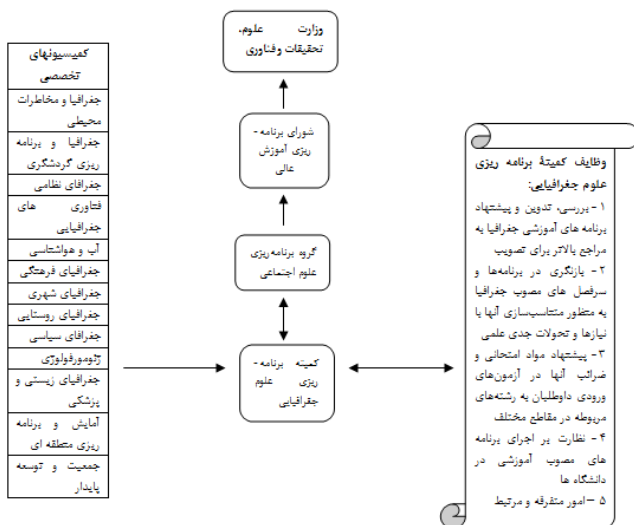
ج: نیاز بازار کار ایران، به منظور جذب فارغ‌التحصیلان رشته‌های علوم جغرافیایی در بازار اشتغال ایران و ملاحظه این امر در تعریف دروس تخصصی کاربردی و مهارتی.

د: خرد جمعی اساتید عضو کمیته، به عنوان افراد صاحب‌نظر و متخصص که دارای قدرت تشخیص و تمیز نیازها و اولویت‌ها در زمینه مسائل، موضوعات و مباحث علمی رشته در ابعاد نظری و کاربردی می‌باشند (حافظ نیا و احمدی، ۱۳۹۰: ۶).

## ۶- سیر اجرایی تدوین برنامه‌ها و سرفصلها در کمیته برنامه‌ریزی علوم جغرافیایی

کمیته برنامه‌ریزی علوم جغرافیایی از سال ۱۳۸۶ در رویکرد جدید خود، با هدف تخصص‌گرایی و توسعه مشارکت اعضای هیئت علمی گروه‌ها و دانشکده‌های علوم جغرافیایی در تدوین برنامه، اقدام به تاسیس ۱۳ کمیسیون تخصصی، متناظر با شاخه‌های مختلف علوم جغرافیایی در زیرمجموعه خود گرفت تا از این طریق امکان مشارکت حداکثری اعضای هیئت علمی گروه‌ها و دانشکده‌های جغرافیایی در تدوین برنامه‌ها و سرفصل‌ها فراهم آید (<http://pcgiran.blogfa.com>). به عبارت دیگر، کمیته برنامه‌ریزی علوم جغرافیایی در انجام وظایف خود، از نتیجه و پیشنهادات کمیسیونهای تخصصی ۱۳گانه‌اش، به عنوان بازوهای اجرایی و مشورتی بهره می‌گیرد. فرایند برنامه‌ریزی در این کمیسیونها آغاز می‌شود و مراحل زیر را طی می‌کند:

نمودار شماره ۲- نظام برنامه‌ریزی و گسترش آموزش جغرافیا در دانشگاههای ایران



۱- نخستین مرحله برنامه‌ریزی، طرح مباحث و پیشنهادات در کمیسیونهای تخصصی است. اسامی این کمیسیونها که به عنوان بازوهای مشورتی کمیته عمل می‌کنند، عبارتند از: «آب و هواشناسی - آمایش و برنامه ریزی منطقه‌ای - جغرافیا و گردشگری - جغرافیا و مخاطرات

محیطی - جغرافیای زیستی و پزشکی - جغرافیای سیاسی - جغرافیای شهری - جغرافیای روستایی - جغرافیای فرهنگی - جغرافیای نظامی - جمعیت و توسعه پایدار - ژئومورفولوژی - فناوری‌های جغرافیایی» (آرشیو کمیته برنامه‌ریزی جغرافیا. صورت جلسه شماره ۱۴. اسفند ۱۳۸۷).

اعضای این کمیسیونها از بین اساتید متخصصی که در دانشگاههای مختلف تدریس می‌کنند، انتخاب شده و بنابراین آنها می‌توانند تجربیات آموزشی خود را ارائه نمایند. تشکیل این کمیسیونها در راستای عملی شدن اصل توسعه مشارکت بوده و تخصصی بودن آنها باعث می‌شود تا نتایج کار آنها کم اشتباه و کامل باشد. به همین دلیل، نظرات کمیسیونها در مراحل بعد و در نهادهای بالاتر، مورد توجه قرار می‌گیرد و به آن اصالت داده می‌شود.

۲- نتایج و تولیدات کمیسیونهای تخصصی توسط رئیس کمیسیون به کمیته برنامه‌ریزی جغرافیا ارائه می‌شود تا مورد تصویب علمی قرار گیرد. در برخی موارد، اعضای کمیته، پیشنهاداتی را برای اصلاح و کامل‌تر شدن و قوی‌تر شدن برنامه‌ها ارائه می‌کنند. در برخی موارد نیز که به اصلاحات نیازی دیده نمی‌شود، نظرات کمیسیونها بدون تغییر مورد تصویب قرار می‌گیرد.

۳- مصوبات کمیته برنامه‌ریزی جغرافیا برای تصویب رسمی به شورای برنامه‌ریزی آموزش عالی ارجاع می‌شود. در این شورا، مقامات عالی رتبه وزارت علوم، تحقیقات و فناوری از جمله شخص وزیر عضویت دارند. تصویب برنامه‌ها در این شورا به منزله قانونی بودن محتوای آنها است و تمامی دانشگاههای دولتی و آزاد ملزم به اجرای آن می‌شوند. شورای برنامه‌ریزی آموزش عالی نیز از کمیسیونهای تخصصی به نام «گروه برنامه‌ریزی» استفاده می‌کند و نظرات و راهکارهای آنها را به کار می‌گیرد.

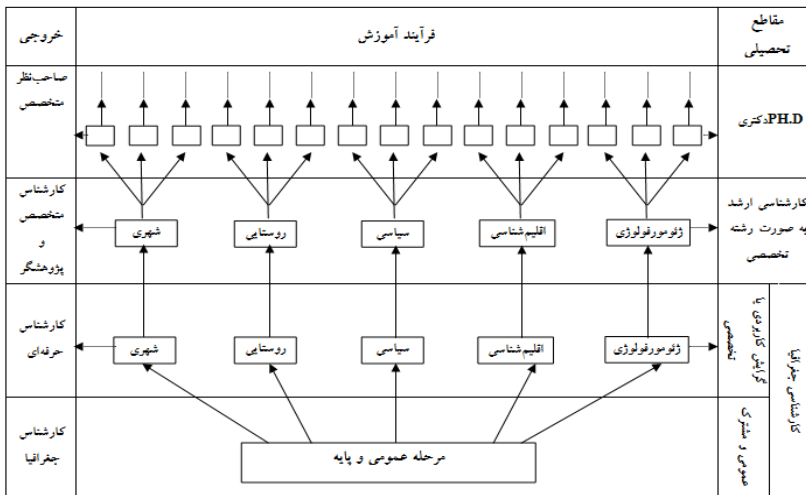
۴- برنامه‌های مصوب شورای برنامه‌ریزی آموزش عالی برای اجرا به دانشگاهها ابلاغ می‌شوند. دانشگاهها بر اساس علاقه، امکانات و تعداد اعضای هیات علمی خود، به تاسیس رشته یا رشته‌هایی ابراز تمایل می‌کنند و از دفتر گسترش آموزش عالی تقاضای صدور مجوز می‌کنند. تقاضاهای مربوطه ابتدا در کمیته تخصصی علوم انسانی و سپس در شورای گسترش آموزش عالی مورد بررسی قرار گرفته و در صورتی که شرایط لازم موجود باشد، مورد موافقت قرار می‌گیرد (<http://gostaresht.msrt.ir>).

۵- دانشگاهها پس از کسب مجوزهای قانونی لازم از وزارت علوم، تحقیقات و فناوری از طریق کنکور سراسری برای مقاطع کارشناسی و کارشناسی ارشد و کنکور نیمه متمرکز برای مقطع دکتری دانشجو می‌پذیرند و دوره‌های آموزشی را اجرا می‌کنند. در حین اجرا نیز نظارت‌های لازم توسط کمیته، انجام می‌شود.

#### ۷- تعریف مقاطع تحصیلی و نظام علمی علوم جغرافیایی در کمیته برنامه‌ریزی

هدفمند کردن نظام علمی حوزه علوم جغرافیایی در دانشگاهها اقدامی ارزشمند است. اهمیت این موضوع آشکار است. زیرا اگر مقاطع مختلف تحصیلی در چارچوب یک ساختار منسجم قرار نگیرند و با هم ارتباط ارگانیک نداشته باشند، به اهداف آموزشی از پیش تعیین شده دست نخواهند یافت. بر اساس این ضرورت، مراحل، اهداف و محتوای برنامه‌های آموزشی در سه مقطع کارشناسی، کارشناسی ارشد و دکتری به شرح نمودار زیر قابل تبیین است:

نمودار شماره ۳- الگوی پیشنهادی برای نظام علمی جغرافیا در دانشگاهها



از: دکتر محمدرضا حافظ‌نیا- سرپرست کمیته برنامه‌ریزی علوم جغرافیایی - دی‌ماه ۱۳۸۶

## ۱-۷- مقطع کارشناسی علوم جغرافیایی با گرایش‌های مختلف

الف- مرحله اول: عمومی یا مشترک

هدف: آموزش مبانی، ادبیات و معارف علمی و نیز مهارت‌های پایه در رشته جغرافیا و شاخه‌های مرتبط به دانشجویان

محتوی برنامه: ماهیت و فلسفه جغرافیا، اصول علم جغرافیا، تاریخ علم، مکاتب و نظریه‌های علم، رشته‌های تخصصی، روش شناسی، آمار و ریاضی، اصول برنامه‌ریزی، کارتوگرافی و غیره

ب- مرحله دوم: گرایش‌های کاربردی / یا گرایش تخصصی

هدف: ایجاد مهارت تخصصی در دانشجویان مبتنی بر آموخته‌های نظری و عمومی (مرحله ۱) به منظور نقش آفرینی فارغ التحصیلان جغرافیا در نظام شغلی جامعه، تعمیق آموزش‌های نظری با تمرکز بر گرایش‌های تخصصی در جغرافیا

محتوای برنامه: متناسب با هر گرایش تخصصی در جغرافیا شامل گرایش‌های:

جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری - جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی - (برنامه‌ریزی ناحیه‌ای - منطقه‌ای) - ساماندهی و مدیریت سیاسی فضا - آمایش سرزمین - اقلیم کاربردی - ژئومورفولوژی کاربردی ...

## ۲-۷- مقطع کارشناسی ارشد (کارشناس و پژوهشگر متخصص) به صورت رشته‌های

مستقل در جغرافیا

هدف: تربیت کادرهای متخصص برای پاسخگویی به نیازهای شغلی (مهارتی) و پژوهشی جامعه متناسب با گرایش‌های تخصصی جغرافیا

محتوی برنامه: مباحث نظری و تئوریهایی مربوط به رشته، روشها و مدلها و تکنیکهای کاربردی در رشته، مهارت‌های پژوهشی رشته (روش تحقیق، آمار، GIS) مباحث گرایش در باره ایران مثل (جغرافیای شهری ایران/ برنامه‌ریزی شهری در ایران) یا (جغرافیای سیاسی ایران، ساماندهی سیاسی فضا در ایران).

## ۳-۷- مقطع دکتری (Ph.D) (صاحب‌نظر متخصص) با رویکرد تخصص گرای

هدف: تواناسازی دانشجویان برجسته جغرافیا پس از کارشناسی ارشد برای مشارکت علمی در رشته و تولید و گسترش معرفت علمی در جغرافیا

**محتوی برنامه:** دیدگاه‌های نظری نوین در شاخه تخصصی، روش شناسی و روش تحقیق، مباحث انتقادی (نقد و نظر در مباحث نظری و مدل‌های کاربردی رشته)، کالبد شکافی مسائل رشته تخصصی در باره ایران، مسئله یابی پژوهشی (آرشیو کمیته برنامه‌ریزی جغرافیا. سند شماره ۲. ۱۳۸۶).

جدول شماره ۱: رشته‌های موجود مجموعه علوم جغرافیایی در نظام آموزش عالی ایران

کارشناسی	جغرافیا و برنامه ریزی شهری	جغرافیا و برنامه ریزی شهری	جغرافیا و برنامه ریزی شهری
جغرافیا و برنامه ریزی روستایی	جغرافیا و برنامه ریزی روستایی در ۴ گرایش	جغرافیا و برنامه ریزی روستایی	جغرافیا و برنامه ریزی روستایی
جغرافیای سیاسی (آمایش و مدیریت سیاسی قضا)	جغرافیای پزشکی	جغرافیای سیاسی در دو گرایش	جغرافیای سیاسی در دو گرایش
سنجش از دور و سیستم اطلاعات جغرافیایی	سنجش از دور و سیستم اطلاعات جغرافیایی	سنجش از دور و سامانه اطلاعات جغرافیایی در دو گرایش	سنجش از دور و سامانه اطلاعات جغرافیایی در دو گرایش
ژئومورفولوژی	ژئومورفولوژی	ژئومورفولوژی	ژئومورفولوژی
آب و هوشناسی	آب و هوشناسی در ۷ گرایش	آب و هوشناسی در ۷ گرایش	آب و هوشناسی در ۷ گرایش
جغرافیای نظامی (متخصص دانشگاه های نظامی)	جغرافیای نظامی (متخصص دانشگاه های نظامی)	جغرافیای نظامی (متخصص دانشگاه های نظامی)	جغرافیای نظامی (متخصص دانشگاه های نظامی)
جغرافیا و برنامه ریزی گردشگری	جغرافیا و برنامه ریزی گردشگری در ۲ گرایش	جغرافیا و برنامه ریزی گردشگری در دو گرایش طبیعی و انسانی	جغرافیا و برنامه ریزی گردشگری در دو گرایش طبیعی و انسانی
جغرافیا و برنامه ریزی منطقه ای	جغرافیا و برنامه ریزی آمایش سرزمین	برنامه ریزی آمایش سرزمین	برنامه ریزی آمایش سرزمین
جغرافیای فرهنگی	جغرافیای فرهنگی	جغرافیای فرهنگی	جغرافیای فرهنگی
	اکوتوریسم (طبیعت گردی)	اکوتوریسم (طبیعت گردی)	اکوتوریسم (طبیعت گردی)
	جغرافیای سیاسی	جغرافیای سیاسی	جغرافیای سیاسی
	جغرافیای سیاسی گرایش فضای شهری	جغرافیای سیاسی گرایش فضای شهری	جغرافیای سیاسی گرایش فضای شهری
	ژئوپلیتیک	ژئوپلیتیک	ژئوپلیتیک

۸- مقایسه رویکرد جدید کمیته برنامه‌ریزی علوم جغرافیایی نسبت به دوره‌های ماقبل در باره رویکرد جدید کمیته برنامه‌ریزی آموزش علوم جغرافیایی در دانشگاه‌های ایران و برشمردن نکات قوت آن در مقایسه با رویکردهای پیشین، به طور مشخص می‌توان موارد زیر را مورد توجه قرار داد:



۱- برنامه‌های قدیمی جغرافیا در ایران از رویکرد نظری و کاربردی مشخصی برخوردار نبود. همچنین آموخته‌های دانش آموختگان این رشته با نیازها و بازار اشتغال جامعه تناسب چندانی نداشتند. در چنین وضعیتی دانشجویان پس از فارغ التحصیلی با بیکاری، بی‌هویتی و سرگردانی در جامعه روبرو می‌شدند. روشن است که جذب فارغ التحصیلان دانشگاهها در بازار کار منوط به داشتن تواناییها و ویژگیهایی است که بخش زیادی از آنها می‌بایست در طول دوران تحصیل در دانشگاه ایجاد گردد. بنابراین یکی از مهمترین اهداف نظامهای آموزشی جوامع، فراهم آوردن امکان ارائه آموزش متناسب با مهارتهای شغلی مورد نیاز جامعه است. از اینرو ضروری بود که برنامه‌های آموزشی دانشگاهها از جمله علوم جغرافیایی، علاوه بر انطباق با استانداردهای جهانی با نیازهای اقتصادی، اجتماعی و سیاسی جامعه و بازار کار هماهنگ باشد.

۲- در گذشته اساتید جغرافیای دانشگاههای کشور به صورت محدود در اجرای برنامه‌ریزی رشته‌ها نقش داشتند. این در حالی است که در دوره جدید سیاست کمیته برنامه‌ریزی جغرافیا، جلب مشارکت گسترده اساتید در رشته‌های مختلف علوم جغرافیایی در دانشگاههای کشور بوده است و در این راستا زمینه همکاری آنان را در کمیسیونهای زیرمجموعه این کمیته فراهم گردیده است. اکنون این افراد می‌توانند از طریق عضویت در کمیسیونهای تخصصی وابسته به کمیته، در امر برنامه‌ریزی نقش آفرینی کنند و نقطه نظرات و پیشنهادات خود را ارائه نمایند.

۳- در برنامه‌های جدید مقطع کارشناسی به منظور توسعه مهارت‌های علمی و کاربردی رشته‌های تخصصی و نقش آفرینی دانش آموختگان این مقطع در بازار اشتغال، درسی با عنوان «پروژه» به ارزش سه واحد پیش‌بینی شده است. این درس با هدف ایجاد توانایی و شکوفایی قابلیت‌های تخصصی، کارشناسی و مهارتی دانشجویان به منظور کاربرد آموخته‌های دانش جغرافیا برای حل مسائل فضایی و بهینه‌سازی ساختارها و سیستمهای فضایی در ابعاد مختلف اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، فرهنگی، زیستگاهی، طبیعی و... تدوین شده است. درس پروژه باید در ترم آخر دوره تحصیل دانشجو اجرا شود و دانشجویان با گذراندن آن آمادگی پیدا نمایند تا از مرحله آموخته‌های نظری در کلاس درس، به مرحله فعالیت‌های عملی در جامعه منتقل شوند.

۴- برای برخی از دروس آموزشهای عملی نیز پیش‌بینی گردیده است. آموزش‌های عملی می‌تواند فعالیت در آزمایشگاه یا کارگاه را شامل شود یا اینکه دانشجویان سمیناری را به کلاس ارائه دهند و یا اینکه در یک سفر علمی شرکت نمایند. سفرهای علمی، تحقیقاتی و آموزشی با هدف افزایش کارایی و بازدهی، مرتبط با موضوع درس، در شهر، روستا و دیگر نواحی مختلف داخل کشور یا خارج از کشور انجام می‌گیرد. هدف از انجام چنین سفرهایی عبارت از: کمک به تفهیم مفاهیم و مسائل جغرافیایی که در کلاس آموخته شده است؛ کسب معلومات و برداشتهای تازه در محیط‌ها و موقعیتهای جدید؛ پرورش حس کنجکاوی شخصی دانشجو و یاری دادن او در شناخت صحیح محیط و فضای جغرافیایی؛ تجربه کردن مهارتهای اولیه مانند خواندن نقشه و تشخیص عوارض و کاربرد روشهای علمی در بررسی و فهم چشم‌اندازها و پدیده‌های طبیعی، انسانی و کالبدی و نیز مفاهیمی چون پراکندگی فضایی، هماهنگی مکانی، تفاوت‌های مکانی و درک یکپارچگی و سیستماتیک دیدن محیط.

۵- علم جغرافیا نیز مثل سایر علوم، خصلتی انبساطی و واگرایانه دارد و همواره افق‌های جدیدی در آن گشوده می‌شود. در گذشته جغرافیا در دانشگاه‌های ایران به عنوان یک رشته و در قالب مجموعه علوم انسانی، ادبیات، علوم زمین، علوم اجتماعی و غیره دیده می‌شد. لیکن در دوره جدید با توجه به گسترش قلمروی معرفتی این رشته و ظهور شاخه‌های تخصصی در آن، لازم بود که آموزش آن از حالت عمومی خارج شده و به صورت تخصصی در آید. بر این اساس بود که رشته‌ها و گرایش‌های جدید با هویت مستقل و در قالب «علوم جغرافیایی» طراحی و تدوین شد. از این طریق آموزش یافته‌های متنوع و جدید جغرافیایی به دانشجویان امکان پذیر می‌گردد. به علاوه راه برای ارتقاء سطح سازمانی جغرافیا در دانشگاه‌های ایران از گروه جغرافیا به دانشکده مستقل جغرافیا هموار گردید. بر این مبنا تاکنون در دانشگاه‌های همچون تهران، اصفهان، زاهدان و خوارزمی دانشکده جغرافیا تأسیس شده است.

## ۹- تجزیه و تحلیل

جغرافیا به عنوان یکی از کهن‌ترین علوم، دارای سابقه‌ای طولانی است. در طول تاریخ، این علم از یک طرف برای تبیین الگوهای رفتاری و قانونمندی‌های حاصل از رابطه بین

انسان و محیط پیرامون مورد استفاده قرار گرفته و از سوی دیگر دستیابی به مقتضیات مکانی- فضایی جنبه‌های مختلف زندگی انسان و سپهر زیست او را پی‌گیری کرده تا در نهایت زمینه‌های توسعه فضایی و رفاه انسان در گستره سرزمین فراهم گردد. لذا در دوره‌های مختلف، این علم مورد توجه اندیشمندان، فیلسوفان، سیاستگذاران و کانون‌های قدرت قرار گرفته و در این راستا کرسی‌های متعدد علوم جغرافیایی تشکیل گردید که در همه دوران‌ها هدف مشخصی از آموزش و پژوهش و انتقال فناوری با توجه به مقتضیات زمانی از سوی دولت‌ها و حکومت‌ها دنبال شده است.

به عبارتی در طول تاریخ نیز فرآیند شناخت و فهم کم و کیف مکان و فضای جغرافیایی زیستگاه و محیط‌های پیرامونی آن و نیز تشخیص و به‌کارگیری ظرفیت‌ها و نیروهای مثبت برای اهداف زندگی از سوی و نیز شناخت و مقابله با نیروهای منفی و تهدیدکننده حیات انسان در زیستگاه‌ها از سوی دیگر، به طور مداوم منجر به تولید و گسترش دانش جغرافیایی از گذشته‌های دور تاکنون شده است.

بدیهی است که بر اساس این فلسفه، روند مزبور هیچ‌گاه متوقف نخواهد شد و در آینده نیز استفاده از معارف جغرافیایی بوسیله انسانها ادامه خواهد یافت. زیرا فرآیند تولید و کاربرد معرفت جغرافیایی از سرشتی پایدار و متناسب با زمان بقای انسان به عنوان موجودی واقعی در جهان خلقت برخوردار است. به این معنی که تا زمانی که انسان به عنوان یکی از جلوه‌های عمده خلقت، در جهان حیات و وجود داشته باشد، دانش و معرفت جغرافیایی نیز وجود خواهد داشت. بنابراین علوم جغرافیایی به عنوان ضرورتی حیاتی و واقعیتهای انکارناپذیر در راستای شناخت مستمر ابعاد، مقتضیات و قانون‌مندی‌های فضاها و زیست انسان‌ها و نیز سازماندهی بهینه آنها برای زیست شرافتمندانه، از توجیهی منطقی و مبنای فلسفی پایدار برخوردار می‌باشد.

اکنون در ادبیات جهانی انتظار از مجموعه علوم جغرافیایی، تبیین و تنظیم رابطه متقابل سیاست و فضا، برقراری عدالت فضایی، ساماندهی فضایی- مکانی، برقراری توازن توسعه‌ای، بهره‌برداری مناسب انسان از فضای پیرامون و... می‌باشد.

به این ترتیب امروزه نیز علوم جغرافیایی به عنوان یک نظام علمی قدرتمند و با سابقه در دانشگاه‌های کشورهای مختلف جهان و همچنین در دانشگاه‌های ایران گسترش یافته و

دارای رشته‌ها و گرایش‌های متنوعی است. تردیدی نیست که ادامه این روند یعنی رشد و گسترش کمی و کیفی علوم جغرافیایی، باید توأم با برنامه‌ریزی‌های اساسی و اصولی باشد. چرا که در غیر این صورت، این نظام علمی دچار بی‌برنامگی و توسعه بی‌رویه خواهد شد. توسعه‌ای که نتیجه آن همانا افت کیفیت آموزشی و پژوهشی خواهد بود و بروز آسیب‌های جدی و کاهش اعتبار علمی رشته‌های علوم جغرافیایی را رقم خواهد زد.

فعالیت‌ها و اقدامات کمیته برنامه‌ریزی علوم جغرافیایی بر اساس این ضرورت و اهمیت توجیه می‌شود. این کمیته که فعالیت خود را از سال ۱۳۸۶ آغاز نمود، از همان ابتدا رویکرد متفاوتی در امر برنامه‌ریزی آموزشی برای دانشگاه‌های کشور در حوزه دانش جغرافیا را در نظر گرفت. ابتدا ابعاد سه‌گانه معرفت‌شناسی، روش‌شناسی و کارکردشناسی برای تبیین فلسفه جغرافیا مورد توجه قرار گرفتند. بر اساس این توجیه فلسفی، فضای جغرافیایی به عنوان موضوع رشته تعیین و تعریف جدیدی برای جغرافیا برگزیده شد که عبارت بود از «علم شناخت ماهیت، ساختار و قانونمندیهای فضای جغرافیایی و نیز ساماندهی آن به عنوان زیستگاه انسان‌ها». بر این اساس جغرافیا از منظر بنیادی، علم «فضاشناسی» و از منظر کاربردی علم «فضاسازی» برای زیست‌شایسته و شرافتمندانه انسان شناخته شد. سپس برای تحقق تخصص‌گرایی و توسعه مشارکت، کمیسیون‌های تخصصی تعریف شدند که تاسیس آنها در تاریخ برنامه‌ریزی آموزشی کشور بی‌سابقه است. علاوه بر آن، هدفمند کردن نظام علمی حوزه علوم جغرافیایی در دانشگاه‌های کشور برای شکل‌گیری یک چارچوب منسجم و با هدف برقراری ارتباط ارگانیک بین مقاطع مختلف تحصیلی مورد توجه قرار گرفت.

در ادامه برای هدایت اصولی، هماهنگ و هدفمند فرآیند برنامه‌ریزی آموزشی رشته‌های علوم جغرافیایی، تدوین اصول یازده‌گانه‌ای تحت عنوان اصول ناظر بر برنامه‌ریزی رشته‌های جغرافیا در دانشگاه‌ها در دستور کار قرار گرفت. این اصول بعداً مورد توجه شورای برنامه‌ریزی آموزش عالی واقع شد و با انجام تغییراتی، عیناً در قالب هشت اصل به عنوان اصول حاکم بر تدوین برنامه‌های درسی دانشگاه‌ها برای همه رشته‌ها به تصویب این شورا رسید. بدین ترتیب اصول پیشنهادی کمیته برنامه‌ریزی علوم جغرافیایی به تمامی رشته‌های دانشگاهی کشور تعمیم داده شد تا نقش الگوئی این کمیته برای سایر علوم به عنوان کمیته‌ای پیش‌تاز، بیشتر مشخص شود.

یکی از دلایل رسیدن به این شرایط، بی‌شک تعریف صحیح مؤلفه‌های اساسی برنامه‌ریزی و مبادی تولید محتوی برنامه‌ای بوده است. به گونه‌ای که از همان ابتدا چهار سرچشمه و منبع مهم (تجربه ایران در امر برنامه‌ریزی - تجربه جهانی - نیاز بازار کار - خرد جمعی اساتید عضو کمیته و افراد صاحب‌نظر و متخصص) برای گزینش محتوی تعیین شد و مقرر گردید که در تدوین برنامه‌ها مورد توجه قرار گیرند.

#### ۱۰- نتیجه‌گیری

با توجه به مباحث مطرح شده در متن مقاله، به نظر می‌رسد که وضعیت کمیته برنامه‌ریزی علوم جغرافیایی از حیث برنامه‌ریزی، عملکرد و عضوگیری در سالهای اخیر، دچار تحول و تغییر عمیقی شده است. مهمترین ملاحظات در عملکرد کمیته، همانا استفاده از تجربیات جهانی، استفاده از تجربه موجود در ایران و نیز توجه داشتن به دغدغه‌های بازار اشتغال جامعه در امر برنامه‌ریزی بوده است. این شرایط باعث شده تا هم برنامه‌های بازنگری شده و هم برنامه‌هایی که به تازگی تاسیس و تدوین شده‌اند، از کیفیت بالایی برخوردار باشند. به گونه‌ای که می‌توان در آنها تمایز آشکاری با رویکردهای قبلی تشخیص داد. از یک طرف با در نظر گرفتن هدفمندی فعالیت‌های کمیته و ابتناء آنها بر اصول و مبانی فلسفی علمی، تمامی برنامه‌های آموزشی قدیمی علوم جغرافیا در مقاطع مختلف بازنگری و به روز شدند. از طرفی دیگر، تعدادی از برنامه‌های جدید در زمینه تخصص‌ها و گرایش‌های جدید جغرافیایی طراحی و تدوین شدند. این تحولات موجی از امید و خوشبینی را در میان دانشجویان و اساتید جغرافیا در سراسر کشور بوجود آورده است. دانش‌آموختگان رشته‌ها و گرایش‌های مختلف علوم جغرافیایی از این به بعد احتمالاً شانس بیشتری برای استخدام در دستگاهها و نهادهای دولتی و بخش خصوصی خواهند داشت. همچنین سطوح مدیریتی و تصمیم‌گیری کشور به تدریج به نقشی که جغرافیا و جغرافیدانان می‌توانند در بهبود وضعیت کشور و توسعه پایدار فضاها، زیست و زندگی و بهینه‌سازی بهره‌وری و مدیریت فضاها و مکانها داشته باشند، آشنا می‌شوند.

به این ترتیب کمیته برنامه‌ریزی علوم جغرافیایی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری به عنوان رکنی مهم در فراهم آوردن نیازهای برنامه‌ریزی و تصمیم‌گیری و افزایش دقت در

برنامه‌های بلندمدت علوم جغرافیایی تلاش نموده تا تحول و توسعه مستمر و پایدار را مبتنی بر ارزش‌های بومی و علمی در گستره سرزمین، به ویژه در بعد آمایش علوم را فراهم نماید. و بدین سان است که بهره‌گیری از برنامه‌ریزی راهبردی با رهیافت آمایشی امری ضروری است و تلاش برنامه‌ریزان در این کمیته، بر این بوده است که با مشارکت کلیه اعضا از یکسو، و بر انگیزتن سرمایه‌های فکری در گستره جغرافیایی دانشگاه‌ها و مراکز علمی، زمینه‌ای برای توسعه پایدار علوم جغرافیایی در آموزش عالی را با مطالعه روش برنامه‌ریزی، اتخاذ تصمیم برای روش تدوین برنامه راهبردی کمیته برنامه‌ریزی جغرافیا و نیز ملاحظه فعالیت‌های انجام شده و تعیین اقدامات آتی، فراهم کند.

### فهرست منابع:

- آرشیو کمیته برنامه‌ریزی جغرافیا. سند شماره ۱. ۱۳۸۶
- آرشیو کمیته برنامه‌ریزی جغرافیا. سند شماره ۲. ۱۳۸۶
- آرشیو کمیته برنامه‌ریزی جغرافیا. صورت جلسه شماره ۱۰. آبان ۱۳۸۷
- آرشیو کمیته برنامه‌ریزی جغرافیا. صورت جلسه شماره ۱۴. اسفند ۱۳۸۷
- پاپلی یزدی، محمدحسین (۱۳۸۲)، ایدئولوژیهای حاکم بر ایران. مشهد: فصلنامه تحقیقات جغرافیایی. شماره ۷۱
- پوراحمد، احمد (۱۳۸۸)، قلمرو و فلسفه جغرافیا. تهران: انتشارات دانشگاه تهران
- حافظ نیا، محمدرضا (۱۳۹۰)، سند راهبردی کمیته برنامه‌ریزی علوم جغرافیایی (دوره زمانی ۱۳۹۴-۱۳۹۰). آرشیو دفتر برنامه‌ریزی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری.
- حافظ نیا، محمدرضا (۱۳۸۸)، سخن سردبیر. فصلنامه مدرس علوم انسانی؛ برنامه‌ریزی و آمایش فضا. شماره ۶۲. پائیز ۱۳۸۸

حافظ نیا، محمد رضا و احمدی، سید عباس (۱۳۹۰)، گزارش عملکرد چهار ساله کمیته برنامه‌ریزی علوم جغرافیایی (آبان ۱۳۸۶ تا بهمن ۱۳۸۹). *آرشیو دفتر برنامه‌ریزی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری*.

شکوہی، غلامحسین (۱۳۶۳)، *تعلیم و تربیت و مراحل آن*. مشهد: انتشارات آستان قدس رضوی.

شکوہی، حسین (۱۳۸۱)، *اندیشه‌های نو در فلسفه جغرافیا*. جلد اول. چاپ پنجم. تهران: انتشارات گیتاشناسی

شریعتمداری، علی (۱۳۸۰)، *فلسفه تعلیم و تربیت*. چاپ دوازدهم. تهران: انتشارات سمت

غزالی، ابوحامد محمد بن (۱۳۶۱)، *کیمیای سعادت*. به اهتمام حسین خدیو جم. جلد اول. تهران: انتشارات علمی و فرهنگی

علیجانی، بهلول (۱۳۷۸)، *اصول و قوانین جغرافیا*. تهران: رشد آموزش جغرافیا. شماره ۵۰

گنجی، محمد حسن (۱۳۶۷)، *جغرافیا در ایران از دارالفنون تا انقلاب اسلامی*. مشهد: انتشارات آستان قدس رضوی

مومنی، مصطفی (۱۳۷۷)، *پایگاه علم جغرافیا در ایران*. ج اول. تهران: انتشارات فرهنگستان علوم جمهوری اسلامی

Bilij, H. J, (1995). *Human geography: culture, society and space*, John Wily and sons inc, Newyork, U.S.A

Deblelij, H. J. (1995). *physical geography of global environment*. John Wily and sons inc, Newyork, U.S.A

- <http://gostaresh.msrt.ir>